

# Critical Evaluation of the Commentators' Views on the Phrase "Sister of Aaron" with Emphasis on the Meaning of "Sister"

( Received: 2024-07-06 Acceptance: 2025-02-17 )

Seyyede Fatemeh Mousavi<sup>1</sup> , Omid Qorbankhani<sup>2</sup>

## Abstract

One of the expressions that commentators differ in interpreting is the phrase "Sister of Aaron" in verse 28 of Surah Maryam. Some Orientalists have also sought to define the meaning of this expression. Another point of contention among commentators is the reference to Aaron in this verse, which has been interpreted as various figures, including the brother of Prophet Moses (AS), the biological brother of Mary (AS), a pious individual named Aaron, and a corrupt person who lived during Mary's time. The present study, with an analytical-critical approach, studied the opinions of commentators and presented a different interpretation that is in harmony with the context of the verse. The research concludes that, in line with various interpretations from both Shia and Sunni perspectives, the meaning of "similar" and "like" was chosen for the term "Sister," which was used in a figurative sense by the Israelites to reproach Mary (AS). It seems that factors such as the distance from the atmosphere of the verses' revelation and a lack of attention to the various meanings of the word "sister" in Arabic literature, along with a disregard for the narration transmitted from the Prophet Muhammad (S), have contributed to the misconception regarding this expression.

**Keywords:** Comparative Interpretation, Mary, Israelites, Aaron, Sister of Aaron.

مطالعات قرآنی  
و ترجمه‌های نو

دوره سوم

شماره دوم

پیاپی: ۶

پاییز و زمستان

۱۴۰۳

1. Master's Student in Quran and Hadith Sciences, University of Qom, Qom, Iran.

matinsadatfatemi@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Theology, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. (Corresponding Author) o.qorbankhani@basu.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

## ارزیابی انتقادی آراء مفسران پیرامون عبارت «أخت هارون» با تأکید بر معنای أخت

( تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹ )

سیده فاطمه موسوی<sup>۱</sup>، امید قربانخانی<sup>۲</sup>

### چکیده

از جمله تعابیری که مفسران در تفسیر آن اختلاف نظر دارند عبارت «أخت هارون» در آیه ۲۸ سورهٔ مریم است. برخی از خاورشناسان نیز به تعیین معنای این عبارت پرداخته‌اند. مسئلهٔ دیگری که مفسران در آن اتفاق نظر ندارند مراد از هارون در این آیه است که به شخصیت‌های مختلفی تفسیر شده است؛ از جمله برادر حضرت موسی (ع)، برادر تنی حضرت مریم (س)، شخصی پرهیزکار به نام هارون و شخصی فاسق که در زمان حضرت مریم (س) می‌زیسته است. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی-انتقادی به مطالعه آراء مفسران پرداخته و با بررسی مسائل مذکور، تفسیری متفاوت و هماهنگ با سیاق از آیه مورد بحث ارائه نموده است. نتیجه این‌که در این مطالعه، همسو با تفاسیر مختلف شیعه و سنی، معنای "شبيه" و "نظير" برای واژه «أخت» برگزیده شد که در قالب کلام کنایی توسط بنی اسرائیل برای سرزنش حضرت مریم (س) به کار رفته است. به نظر می‌رسد عواملی همچون دوری از فضای نزول آیات و عدم توجه به معانی مختلف واژه أخت در ادبیات عرب و هم‌چنین عدم توجه به روایت منقول از پیامبر (ص) در فهم ناصواب از این تعبیر تأثیرگذار بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** تفسیر تطبیقی، مریم، بنی اسرائیل، هارون، أخت هارون.

مطالعات انتقادی واژه‌ها  
و معانی

Vol. 3

No. 2

Autumn and Winter

2024-2025

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران.

matinsadatfatemi@gmail.com

۲. استادیار گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

o.qorbankhani@basu.ac.ir





## درآمد

در قرآن آمده است: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (فصلت/۴۲). براساس فهم رایجی از این آیه، بطلان و فساد، از هیچ طرفی متوجه قرآن کریم نگشته است و نمی‌گردد. باطل عبارت از تناقض مطالب و مفاهیم و همه چیزهای نادرست، خلاف حقیقت و واقعیت است (حیدری، ۱۳۹۴ ش: ۱۳۵). از جمله آیاتی که برای مستشرقان موجب توهّم تناقض در قرآن شده است آیه ۲۸ سوره مریم است. مفسران و مترجمان قرآن نیز دیدگاه واحدی درباره مفهوم این عبارت ارائه نکرده‌اند. ارائه ترجمه صحیح از قرآن که فهم درست و دقیق آیات را برای مخاطبان عام آن به همراه دارد در گرو بررسی علمی و مستدل دیدگاه‌های مفسران و قرآن‌پژوهان است.

خداوند در سوره مریم، داستان حضرت مریم (س) را بیان می‌کند تا آنجا که می‌فرماید:

فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهَا قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا. يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا (مریم/ ۲۷ و ۲۸)

ترجمه: آن‌گاه نوزاد را در حالی که [در آغوشش] حمل می‌کرد، نزد قومش آورد. گفتند: ای مریم! به راستی که تو کاری شگفت [و بی سابقه و ناپسندی] مرتکب شده‌ای. ای اُخت هارون! نه پدرت مرد بدی بود و نه مادرت بدکاره بود [این طفل را از کجا آورده‌ای؟]

در بسیاری از کتب تفسیری شیعه و اهل سنت به روایتی از مغیره بن شعبه اشاره شده است که نشان می‌دهد پنداره تعارض در آیه فوق‌الذکر از زمان نزول قرآن وجود داشته است:

مَا رَأَوْهُ الْمَغِيرَةُ بْنُ شُعْبَةَ، قَالَ: لَمَّا أُرْسِلَنِي رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِلَى أَهْلِ نَجْرَانَ، قَالَ لِي أَهْلُهَا: أَلَيْسَ نَبِيُّكُمْ يَزْعُمُ أَنَّ هَارُونَ أَخُو مُوسَى، وَقَدْ عَلِمَ اللَّهُ تَعَالَى مَا كَانَ بَيْنَ مُوسَى وَعِيسَى مِنَ السِّنِينَ؟ فَلَمْ أَذِرْ مَا أُرِدُّ عَلَيْهِمْ، حَتَّى رَجَعْتُ إِلَى النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَذَكَرْتُ لَهُ ذَلِكَ، فَقَالَ لِي: «فَهَلَّا قُلْتَ: إِنَّهُمْ كَانُوا يُدْعَوْنَ بِأَنْبِيَائِهِمْ وَالصَّالِحِينَ قَبْلَهُمْ». (فيض کاشانی، ۱۴۱۵ ق: ۲۷۹/۳؛ حویزی، ۱۴۱۵ ق: ۳۳۳/۳؛ طبری، ۱۴۲۰ ق: ۵۸/۱۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴ ش: ۱۰۰/۱۱؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ ق: ۲۵۷/۷؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش: ۲۱۷/۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق: ۲۷۰/۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق: ۴۰۶/۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق: ۳۲/۱۶؛ مراغی، بی‌تا، ۴۷/۱۶؛ مسلم، ۱۴۱۲ ق: ص ۱۰۲۵)

پیامبر خدا (ص)، مغیره را به نجران (برای دعوت مسیحیان به اسلام) فرستاد،

مطالعات  
مطالعات  
مطالعات

دوره سوم  
شماره دوم  
پیاپی: ۶  
پاییز و زمستان  
۱۴۰۳

جمعی از مسیحیان (برای خرده‌گیری بر قرآن) گفتند: مگر شما در کتاب خود نمی‌خوانید «یا اُخْتَ هَارُونَ» در حالی که می‌دانیم اگر منظور هارون برادر موسی (ع) باشد، میان مریم و هارون فاصله زیادی بوده است؟ مغیره چون نتوانست پاسخی بدهد، مطلب را از پیامبر (ص) سؤال کرد، پیامبر (ص) فرمودند: چرا در پاسخ آنها نگفتی که در میان بنی اسرائیل معمول بوده است که افراد نیک را به پیامبران و صالحان قبلشان نسبت می‌دادند.

### پیشینه

یکی از خاورشناسان هلندی به نام آدریان رلاند<sup>۱</sup> (م ۱۷۱۸ م) در کتاب دین محمدی به این موضوع پرداخته است. بخشی از این کتاب، درباره‌ی برخی از نگرش‌ها و نظریاتی است که به دروغ به پیامبر (ص)، نسبت داده شده است. موضع‌گیری‌های واقع‌گرایانه‌ی او که یک مسیحی پروتستان است، نسبت به اسلام و پیامبر (ص) پس از حمله‌های خاورپژوهان از آغاز قرن سیزدهم (و حتی پیش از آن) تا پایان قرن هفدهم در این کتاب مشهود است. او از میان چهل و یک پرسشی که در کتاب دین محمدی مطرح کرده پرسش بیستم را چنین نوشته است: «آیا در قرآن آمده است که مریم، مادر عیسی، خواهر موسی و هارون است؟». وی در کتابش به افرادی که پیش‌تر این تناقض را مطرح کرده‌اند اشاره می‌کند و از افرادی چون نیکلاس کوزایی<sup>۲</sup> نویسنده کتاب غربال قرآن، جان اندروس<sup>۳</sup> نویسنده پریشانی فرقه محمد، زیجابینوس<sup>۴</sup> و هورنبک<sup>۵</sup> نام برده است. این افراد به تفاوت زمانی دوهزار ساله میان هارون، برادر حضرت موسی (ع)، و حضرت مریم (س) اشاره (رلاند، ۱۷۱۷ م: ۲۱۱-۲۱۶) و با هدف انکار الهی بودن قرآن به آن حمله کرده‌اند.

قرآن‌پژوهان بسیاری در کتاب‌ها و مقالات خود به پاسخ این پرسش‌ها پرداخته‌اند که از آن جمله، می‌توان به کتاب شبهات و ردود حول القرآن الکَریم نوشته محمد هادی معرفت و کتاب دفاع عن القرآن الکَریم ضد منتقدیه اثر عبدالرحمن بدوی اشاره کرد. بدوی در کتاب خود به بررسی آراء چند تن از مستشرقانی می‌پردازد که با هدف انکار الهی بودن قرآن این شبهه را مطرح

1. Adriani Relandi.
2. Nicholas De Cuse.
3. John Andreas.
4. Zigabenus.
5. Hornbek.
6. Relandi, Die religione Mohammedica libri duo.



کرده‌اند. براساس پژوهش او، چون حضرت مریم (س) از تبار هارون، برادر حضرت موسی (ع) است، وی را أخت هارون نامیده‌اند. علی رغم تلاشی که در کتاب مذکور صورت گرفته، بدوی به دیگر معانی واژه أخت و مشتقات آن در ادبیات عرب و آیات قرآن توجه نکرده، لذا از احتمالات معنایی دیگر غافل مانده است. همچنین می‌توان به مقاله «پاسخی به شبهه اطلاق «أخت هارون» بر مریم در قرآن کریم» در مجله پژوهش‌های قرآنی (شماره ۷۹، تابستان ۱۳۹۵ ش، صص ۹۶-۱۰۹) نوشته محمد شکری و علی نظری اشاره کرد. مقاله ایشان نیز در پاسخ به دیدگاه‌های ۴ گانه مفسران ارائه شده است، اما به دلیل عدم مراجعه به تفاسیر مختلف و توجه نکردن به معنای لغوی أخت، نتیجه کار ایشان با نتیجه‌ی پژوهش حاضر متفاوت است. مقاله دیگری با عنوان «تحلیل انتقادی دیدگاه خاورشناسان درباره تعابیر قرآنی «أخت هارون» و «بنت عمران»» در مجله مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی (دوره ۷، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲ ش، صص ۷۳-۹۷) نوشته اعظم‌سادات شبانی و فروغ پارسا به چاپ رسیده است. این مقاله نسبت به مقاله‌های دیگر از جامعیت نسبتاً خوبی برخوردار است. ایشان ضمن مراجعه به کتب مقدس پیشین و استفاده از روش تفسیر پیش‌نمون شناختی، دیدگاه مستشرقان و مفسران را مورد بحث قرار داده‌اند.

با وجود آثار فوق و آثار ارزشمند دیگری که تاکنون درباره موضوع این مقاله نگاشته شده است، پژوهش حاضر گذشته از آن که تلاش کرده جامعیت لازم را داشته باشد، دارای تفاوت‌ها و نوآوری‌هایی است که به اصلاح و تکمیل مطالعات سابق کمک می‌کند؛ از جمله آن که به لحاظ روش و رویکرد، تأکید این مقاله بر فقه اللغة و استناد به معنای واژه «أخت» در کتب لغت، و همچنین تکیه بر قرائن و شواهد برگرفته از آیات و روایات و تفاسیر مختلف شیعه و سنی است. از این رو سیاق آیات مورد نظر در سوره مریم از لحاظ ادبی مورد بحث قرار گرفته است. همچنین به لحاظ نتیجه و دستاورد، دیدگاه مورد تأیید در این مقاله، در مقالات دیگر مورد پذیرش قرار نگرفته است. علاوه بر این، تفاوت دیگری که در این پژوهش مشهود است بررسی وجه شباهت هارون و حضرت مریم (س) است که آثار پیشین بدان نپرداخته‌اند.

با نظر به توضیحات فوق، پژوهش حاضر در پی پاسخ بدین پرسش‌ها است: هارونی که بنی اسرائیل، حضرت مریم (س) را به او نسبت داده‌اند چه کسی است؟ تعبیر «أخت هارون» به چه معناست؟ چه نقدهایی به آراء مفسران مسلمان و مستشرقان غربی درباره‌ی معنای «أخت هارون» وارد است؟

## بررسی و نقد دیدگاه مفسران

مفسران درباره عبارت «أخت هارون» اختلاف نظر دارند. این اختلاف هم در آراء مفسران شیعه و هم در آراء مفسران اهل سنت دیده می‌شود. اقوال مفسران شیعه و اهل سنت درباره عبارت «أخت هارون» و تعیین شخصیت هارون از چهار رأی تجاوز نمی‌کند. برخی از مفسران فقط یک یا دو رأی از آراء را نقل کرده‌اند؛ اما بسیاری از مفسران همه این چهار رأی را گرد آورده‌اند.

### ۱-۱. هارون، مرد صالحی از بنی اسرائیل

هارون مرد پاک و صالحی در میان بنی اسرائیل بوده، آن چنان که بنی اسرائیل هرکس را که به صلاح و پاکی مشهور می‌شد، به وی نسبت می‌دادند (طوسی، بی تا: ۱۲۲/۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۷۹۱/۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق: ۷۳/۱۳؛ طریحی، ۱۳۷۵ ش: ۲۱/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۴۵/۸۹؛ شبر، ۱۴۱۰ ق: ۳۵/۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: قرطبی، ۱۳۶۴ ش: ۱۰۰/۱۱؛ أبوحیان، ۱۴۲۰ ق: ۲۵۷/۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق: ۲۷۰/۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق: ۴۰۶/۸؛ طبری، ۱۴۱۲ ق: ۵۸/۱۶).

مفسران در قول اول، «أخت» را به معنی «شبيه» در نظر گرفته‌اند. طبق این دیدگاه، عبارت مورد نظر این گونه معنا می‌شود: «ای کسی که شبیه هارون هستی». برخی در این عبارت، هارون را برادر حضرت موسی (ع) می‌دانند؛ اما برخی دیگر هارون را فرد صالحی در نظر گرفته‌اند که در زمان حضرت مریم (س) می‌زیسته و او را از نظر صلاح شبیه به هارون دانسته‌اند. البته این قول تحلیل ژرف تری می‌طلبد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

### ۱-۲. هارون، برادر حضرت مریم (س)

از محمد بن السائب بن بشر کلبی (م ۱۴۶ ق) از مفسران معروف شیعه و از اصحاب امام محمد باقر و امام جعفر صادق (علیهما السلام) نقل شده هارون برادر پدری حضرت مریم (س) و مردی نیکوروش بوده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ۵۳۰/۲۱؛ طبری، ۱۴۱۲ ق: ۶۰/۱۶؛ طوسی، بی تا: ۱۲۲/۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۷۹۱/۶)

در قول دوم که از کلبی نقل شده است، أخت را به معنای مشهور خواهر در نظر گرفته‌اند که در اکثر ترجمه‌های قرآن کریم به زبان‌های مختلف هم دیده می‌شود. اما در هیچ یک از مستندات و کتب مسیحی و یهودی ذکر نشده که حضرت مریم (س) برادری به نام هارون داشته است و هیچ سند دیگری مبنی بر تأیید این ادعا وجود ندارد. البته طبیعی است در میان بنی اسرائیل افراد زیادی به نام هارون نامیده شوند و ممکن است حضرت مریم (س) برادری به نام هارون



داشته باشد که شخصیت موجهی شناخته می‌شده است. عبدالرحمان بدوی می‌نویسد:

احتمالی که فرض می‌گیرد مریم، مادر عیسی، برادری به نام هارون داشته است و هیچ‌یک از اسناد مسیحی یا یهودی آن را ذکر نکرده‌اند و تنها یاد آن در قرآن رفته است، اگرچه احتمالی غیرممکن نیست؛ ولی در هیچ سند دیگری نیامده است (بدوی، ۲۰۱۴، م، ۱۷۰).

سؤالی که در اینجا به ذهن می‌رسد این است که چرا بنی اسرائیل برای توبیخ و سرزنش حضرت مریم از رابطه‌ی خواهر-برادری او و هارون استفاده و خداوند نیز به عنوان راوی داستان به آن اشاره کرده است. شخصیتی که در جای دیگری از قرآن به آن اشاره نشده است، مگر آنکه صفت بارزی در هارون بوده باشد که بنی اسرائیل به آن توجه نشان می‌داده است.

### ۳-۱) حضرت مریم (س) از نسل هارون

از قول سدی که از تابعین و مفسرین امامیه و از اصحاب سه تن از ائمه اطهار؛ امام سجاد و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام است نقل شده که مقصود از هارون همان برادر حضرت موسی (ع) است که حضرت مریم (س) از نسل او است (طوسی، بی تا: ۱۲۲/۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ش: ۷۹۱/۶؛ شبر، ۱۴۱۰، ق: ۳۵/۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ق: ۱۷۹/۵؛ خطیب، ۱۴۲۴، ق، ۷۳۲/۸؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ش: ۲۲۲/۸).

در این دیدگاه به معنای استعاری واژه «أخت» اشاره کرده و گفته‌اند چون حضرت مریم (س) از نسل هارون (ع)، برادر حضرت موسی (ع) است، وی را «أخت هارون» نامیده‌اند و از دلایل برگزیدن این قول آورده‌اند که این اصطلاح مشهور است؛ زمانی که می‌گویند: یا أخت تمیم، مراد یکی از قبیلۀ تمیم است. برخی در تأیید این نظر، آیات «وَأِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُم صَالِحًا» (اعراف/ ۷۳) و «وَأِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا» (اعراف/ ۸۵) را به عنوان شاهد مثال بیان کرده‌اند (ابن عربی، ۱۴۱۰، ق، ۴۷/۳). هم چنین قنوی برای اثبات حرف خود آیه «وَأِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا» (اعراف/ ۶۵) را مثال زده و نوشته است: «هارون اسم قبیلۀ و مریم یکی از آنان است.» (قنوی، ۱۴۲۲، ق، ۲۲۲/۱۲).

در انجیل آمده است: در زمان هیرو، پادشاه یهود، کاهنی بود به نام زکریا که از فرقه ایبا بود و همسر او از فرقه هارون بود که ایصابات (الیزابت) نام داشت (انجیل لوقا ۱: ۵: ۱۲۲۴). در ادامه آمده است زمانی که فرشته بشارت عیسی را به مریم (س) می‌دهد به او می‌گوید: نزد خویشاوند خود ایصابات (الیزابت) برو

که از بستگان تو در پیری به پسری باردار شده و او را نازا می خواندند و او در ماه ششم است (کتاب مقدس، لوقا، باب ۱، بند ۳۶، ص ۱۲۲۵). مریم و ایصابات فامیل و خویشاوند بوده اند و ایصابات از نسل هارون بوده است. بنابراین چون ایصابات، همسر زکریا از نسل هارون (ع) بوده و حضرت مریم (س) خویشاوند و فامیل ایصابات محسوب می شده، حضرت مریم (س) را می توان به هارون نسبت داد؛ اما نمی توان گفت که حضرت مریم (ع) از نسل هارون (ع) بوده است. هم چنین در جای دیگری نقل شده: «والدین مریم باکره، یواکیم و حنه بودند و پدر حنه، متان کاهنی از قبیله لاوی و هارون بود و نام مادر حنه، مریم از قبیله یهودا بود» (اغناطیوس، ۲۵۱ م، ص ۱۱ و ۱۴). اما عمران، پدر حضرت مریم (س) از فرزندان سلیمان بن داود است (ابن کثیر، ۲۰۰۳ م: ۴۸۲) و فقط از طرف پدر مادرش به حضرت هارون (ع)، برادر حضرت موسی (ع)، می رسد.

این سؤال به ذهن می رسد که آیا در میان بنی اسرائیل مرسوم بوده که فرد را با نام قبیله مادری اش خطاب کنند؟ این مورد بعید به نظر می رسد. حتی اگر این احتمال را بدهیم که حضرت مریم (س) را به خاطر اینکه از نسل هارون (ع) است، أخت هارون نامیده اند، باز این سؤال وجود دارد که چرا از اضافه أخته برای این ترکیب استفاده شده و نه از اضافه بنوة.

#### ۱-۴ هارون، فرد فاسقی در بنی اسرائیل

سعید بن جبیر (م ۹۹ ق) که از تابعین و شیعیان برجسته و از یاران و شاگردان امام سجاد (ع) بود می گوید: هارون مردی فاسق و زناکار بود، به این معنا که حضرت مریم (س) از لحاظ بدی و آلودگی شبیه او بوده است (طوسی، بی تا: ۱۲۲/۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۷۹۱/۶؛ قمی، ۱۳۶۳ ش: ۵۰/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۵ ق: ۷۰۵/۳).

قول چهارم نیز مانند قول اول واژه أخت را به معنی شبیه در نظر گرفته است و اشاره به هارونی دارد که در زمان حضرت مریم (س) زندگی می کرد و فاسق و زناکار بود. این دیدگاه فقط از سعید بن جبیر نقل شده و مؤیدی مبنی بر درستی آن در دسترس نیست. در حالی که شواهدی بر درستکاری هارون در مسیحیت وجود دارد به گونه ای که تمثیل به او رایج بوده است. در عهد جدید آمده است: «کسی این افتخار را به عهده نمی گیرد، او را باید خدا خواند، درست مانند هارون» (عبرانیان، ۴: ۵). این عبارت از مقام معنوی کاهنان صحبت می کند و خوش نامی هارون در میان بنی اسرائیل را تصدیق می کند.



## بررسی و نقد دیدگاه قرآن پژوهان

علاوه بر ۴ دیدگاه مفسران، قرآن پژوهان نیز درباره این عبارت دیدگاه‌هایی ارائه داده‌اند که در ادامه به تبیین و نقد آن‌ها می‌پردازیم.

### ۱-۲) مریم، مادر عیسی، خواهر موسی و هارون است

رلاند<sup>۱</sup> در کتاب دین محمد به خاورشناسانی که پیش‌تر این دیدگاه را مطرح کرده‌اند، اشاره کرده است. ادعای ایشان را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد که مریم، مادر عیسی مسیح، همان خواهر حضرت موسی (ع) و هارون (ع) است. وی از نیکولاس کوزایی<sup>۲</sup>، جان اندروس<sup>۳</sup>، هورنبک<sup>۴</sup> و زیگابینوس<sup>۵</sup> نام برده است که همه اینان به تفاوت زمانی میان حضرت هارون (ع) و حضرت مریم (س) اشاره کرده و پرچم حمله به قرآن را برافراشته‌اند. ژوزف هریتس<sup>۶</sup> در کتابش، پژوهش‌های قرآنی، ونسینک<sup>۷</sup> در مقاله «مریم» در دائرةالمعارف اسلام، رژی بلاشر<sup>۸</sup> در شرح ترجمه آیه ۲۸ سوره مریم و رودی پارت<sup>۹</sup> در کتاب قرآن شرح‌ها و بررسی‌ها، به تکرار اتهام بی‌اساسی که یوحنا دمشقی (م ۴۵۳ م) پیش از آن‌ها گفته بود اشاره کرده‌اند (بدوی، ۲۰۱۴ م: ۱۷۳ و ۱۷۴).

### ۲-۲) أخت هارون، کنیه ای برای حضرت مریم (س)

ابتدا باید به این سؤال پاسخ دهیم که چرا مادر حضرت مریم (س) نام او را مریم نهاد؟ خداوند در آیات ۳۵ و ۳۶ سوره مبارکه آل عمران، درباره نامگذاری حضرت مریم (س) توسط مادرش می‌فرماید:

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۳۵) فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (۳۶)

[یاد کنید] هنگامی که همسر عمران گفت: پروردگارا! برای تو نذر کردم که آنچه را در شکم خود دارم [برای خدمت خانه تو از ولایت و سرپرستی من] آزاد باشد،

مطالعات جامعه‌شناسی  
و فرهنگ

دوره سوم

شماره دوم

پیاپی: ۶

پاییز و زمستان

۱۴۰۳

1. Relandi.
2. Nicholas De Cuse.
3. John Andreas.
4. Hornbek.
5. Zigabenus.
6. Josef Horovitz.
7. Wensinck.
8. Regis Blachere.
9. Rudi Paret.

بنابراین از من بپذیر؛ یقیناً تو شنوا و دانایی (۳۵) زمانی که او را زایید، گفت: پروردگارا! من او را دختر زاییدم و خدا به آنچه او زایید، داناتر بود؛ و آن پسر [که زاییدن او را آرزو داشت، در کرامت، عظمت، ارزش و شخصیت] مانند این دختر نیست؛ [پس در مقام نام گذاریش گفت:] البته من نامش را «مریم» نهادم، و او و فرزنداناش را از خطرات مهلك و وسوسه‌های بنیان‌برانداز شیطان رانده شده، به پناه تو می‌آورم (۳۶).

طبق عهد عتیق، حضرت هارون (ع) و حضرت موسی (ع) خواهری به نام میریام داشتند. میریام به همراه برادرانش، حضرت موسی (ع) و هارون (ع)، بنی اسرائیل را از شر فرعون نجات دادند و دوباره بنی اسرائیل را آزاد کردند. در حقیقت بنی اسرائیل، میریام را نماد آزادی و حریت زن می‌دانستند و او را بزرگ می‌شمردند و یهودیان او را فرد مقدس و محترمی می‌شناختند. اشاره به میریام در قرآن کریم، بدون بیان نام دقیق وی و فقط با لفظ أخت در آیاتی آمده است که به نجات حضرت موسی (ع) از کودک کشی فرعونیان می‌پردازد.

قرآن در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره قصص می‌فرماید:

وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنْبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۱) وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ (۱۲).

و به خواهر موسی گفت: [اوضاع و احوال] او را پی‌گیری کن. پس او موسی را از دور [در آغوش فرعونیان] دید، درحالی که خاندان فرعون [پی‌گیری او را] درک نمی‌کردند. (۱۱) و ما پیش از آن [خوردن شیر] همه زنان شیردهنده را بر او حرام کردیم. پس [خواهرش پیش آمد و] گفت: آیا می‌خواهید شما را به خانواده‌ای راهنمایی کنم که سرپرستی او را برای شما به عهده گیرند و خیرخواه او باشند؟ (۱۲)

و در آیه ۴۰ سوره طه آمده است:

إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ

«آن‌گاه که خواهرت به سوی کاخ فرعون رفت و گفت: آیا شما را به کسی که از این نوزاد سرپرستی کند، راهنمایی کنم؟ پس تو را به مادرت برگرداندیم تا خوشحال و شاد شود و غم و غصه نخورد...»

در انجیل، در سفر خروج ۲۰: ۱۵ به میریام، خواهر حضرت موسی (ع) و حضرت هارون (ع)، اشاره شده است: سپس مریم نبیه، خواهر هارون، تنبوری در دست گرفت و همه زنان با دف و رقص به دنبال او رفتند.



در ترجمه انگلیسی این قسمت از کتاب مقدس، عبارت Aaron's sister و sister of Arron به کار برده‌اند که دقیقاً با ترجمه عبارت أخت هارون در بیشتر ترجمه‌های قرآن کریم به زبان انگلیسی برابر است. به نظر می‌رسد ریشه اشتباه مستشرقان و خلط مبحث توسط ایشان از همین جا نشأت گرفته است. آنان بدون توجه به زبان قرآن، أخت را به معنای خواهر نسبی در نظر گرفته‌اند و چون قبل‌تر در انجیل از میریام، خواهر حضرت موسی و هارون، نام برده شده است و نیز نام «میریام» در زبان عبری «מִרְיָם» همان مریم در عربی است دچار اشتباه شده‌اند. هم‌چنین بر پایه عهد عتیق، میریام در چندین بخش از زندگی حضرت موسی (ع) و در خروج بنی اسرائیل از مصر نقش مهمی ایفا می‌کند. میریام خواهری است که در بوته‌های ساحل نیل، مراقب برادر کوچکش، موسی (ع) است. مادرش موسی (ع) را در سبیدی در ساحل رودخانه پنهان کرده بود تا از او در برابر فرمان فرعون مبنی بر انداختن همه نوزادان پسر به رودخانه محافظت کند (خروج ۲: ۲-۴). به لطف پیهوه، مریم به نجات برادرش، موسی (ع)، کمک می‌کند (خروج ۲: ۵-۱۰). همچنین در جای دیگری به نقش میریام در نجات بنی اسرائیل از فرعون اشاره شده و آمده است: خدا از موسی، مریم و هارون استفاده می‌کند تا قوم اسرائیل را از بردگی در مصر به سرزمین موعود در کنعان هدایت کند (میکاه ۶: ۴). مریم پس از عبور معجزه آسا از دریای سرخ بر روی زمین خشک و مشاهدۀ ارتش مصر که در دریا سرنگون شده، زنان را با تنبور و آواز به پرستش خدا هدایت می‌کند (خروج ۲۰: ۱۵). در همین قسمت، به او لقب «نبیّه» داده شد.

هنگامی که حضرت مریم (س) با فرزندی نزد قومش آمد، بنی اسرائیل خطاب به وی گفتند: ای خواهر هارون، ای کسی که نامت را به یاد میریام (خواهر هارون)، مریم نهاده‌اند، ای کسی که قرار بود نماد حرکت و آزادی زن باشی، این چه کار زشتی بود که مرتکب شدی؟ مقصود این است که در این آیه به صورت غیر مستقیم بزرگداشتی از مریم خواهر هارون (ع) صورت گرفته است و نه هارون. هرچند نام وی آشکارا در قرآن ذکر نشده و با شهرت برادرش شناسانده شده است. این تعبیر شبیه نظر برخی از مفسران قرآن است که اشاره به خواهر هارون را از منظر نمادین و نه صرفاً شجره‌نامه‌ای مورد بررسی قرار داده‌اند. شکری و نظری در مقاله «پاسخی به اطلاق عنوان «أخت هارون» بر مریم در قرآن کریم» به طور خلاصه این فرضیه را بیان کرده‌اند و با استناد به این نکته که استفاده از کنیه در زبان عرب بسیار متداول است، عبارت «أخت هارون» را دارای ساختار و کاربردی مشابه کنیه دانسته‌اند. ایشان تعبیر «أخت هارون» را نامی استعاری دانسته‌اند

که از شخصیت همنام او، یعنی مریم، خواهر موسی و هارون گرفته شده است و مقصود پیامبر (ص) از فراخواندن افراد به صالحان و پیامبران در میان بنی اسرائیل را نه اشاره به هارون، بلکه اشاره به «مریم نبیّه»، یعنی خواهر هارون می دانند. (شکری؛ ۱۳۹۵ ش: ۱۰۶)

در مقام نقد این احتمال لازم است نگاهی به ساختار کنیه در اصطلاح نحو عربی بیندازیم. جرجانی در تعریف کنیه می نویسد: «ما صَدَّرَ بِأَبٍ أَوْ أُمٍّ أَوْ ابْنٍ أَوْ بَنَتٍ» (جرجانی، ۱۳۷۰ ش: ۸۱). بر این اساس، کنیه نزد لغت شناسان قدیم اسامی مصدر به آب، أم، بنت یا ابن را شامل می شود. طبق بررسی ها، هیچ تعبیر مشابهی که مصدر به کلمه أخت باشد، در زبان عربی یافت نشد. اگر این تعبیر یک کنایه باشد، باید میان بنی اسرائیل به کثرت استعمال می شد و متداول می بود. بدین صورت که هر زن صالحی را با آن خطاب می کردند. اگرچه عدم استعمال آن را کاملاً نفی نمی کنیم؛ اما شاهد مثالی برای استفاده از تعبیر «أخت هارون» در ادبیات عرب و در کتب یهودی و مسیحی نیافتیم.

اشکال دیگری که قبل تر نیز مطرح شد این است که باید پرسید: چرا از «أخت هارون» استفاده شده و «أخت موسی» گفته نشده است؟ حضرت موسی (ع) پیامبر اول در زمان خودش بود و اگر قرار باشد فقط رابطه خواهر- برادری میریام و موسی و هارون مدنظر باشد، تعبیر «أخت موسی» ارجح است؛ مگر آن که صفت بارزی در هارون وجود داشته که بنی اسرائیل به آن توجه می کرده اند.

## ۳-۲) نظرات مشترک بین مفسران و قرآن پژوهان

درباره تعبیر «أخت هارون»، نظرات مشترکی میان قرآن پژوهان و مفسران وجود دارد. هرپلوت خاورشناس فرانسوی، یکی از قرآن پژوهانی است که نظرش با نظر برخی از مفسران همسو است. هرپلوت اشاره می کند که تعبیر «أخت هارون» در قرآن ممکن است به این معنا باشد که مریم به خانواده عمران، پدر موسی و هارون منسوب است، چون نسب مریم از طرف مادر به هارون برمی گردد (هرپلوت، ۱۶۹۷ م: ۵۸۳). عبدالرحمن بدوی، قرآن پژوه معاصر نیز این نظریه را تأیید می کند و به عقیده وی باتوجه به این که مریم از نسل پیامبران بود تهمتی که بنی اسرائیل زدند باید دردآور بوده باشد. بدوی عبارت «یا أخت هارون» را چنین معنا می کند: «ای کسی که از قبیله هارون هستی» (بدوی، ۲۰۱۴ م: ۱۸۹).

## تبیین دیدگاه برگزیده

به نظر می رسد اختلاف در تعیین هارون و تبیین عبارت «أخت هارون» از آن جا



ناشی می‌شود که به معانی مختلف «أخت» در کتب لغت و دیگر آیات قرآن توجه کم‌تری شده است. آرای مفسران درباره تعیین معنای «أخت» در آیه موردنظر به سه گروه تقسیم می‌شود:

الف) نظری که واژه أخت را معنای نسبی و مشهور آن و به معنای خواهر در نظر گرفته است.

ب) رأیی که أخت را هم قبیله‌ای معنا کرده و حضرت مریم (س) را از نسل و قبیله هارون (ع) می‌داند.

ج) دیدگاهی که أخت را به معنای شبیه و نظیر در نظر گرفته و حضرت مریم (س) را شبیه هارون دانسته است.

آراء اول و دوم ذیل نظر مفسران به عنوان قول دوم و سوم بررسی شد؛ اما دیدگاه سوم را نیز که أخت را به معنای شبیه در نظر گرفته است می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

دیدگاه کسانی که هارون را فردی فاسق معرفی می‌کنند و می‌گویند حضرت مریم (س) را از آن جهت «أخت هارون» نامیدند که مرتکب زنا شده بود.

دیدگاه کسانی که می‌گویند هارون فرد صالحی میان بنی اسرائیل بود و در زمان زندگی حضرت مریم (س) می‌زیست.

دیدگاه کسانی که هارون در این عبارت را، حضرت هارون (ع)، برادر حضرت موسی (ع) می‌دانند و شباهت حضرت مریم (س) به ایشان را از نظر صلاح و پاکی و تقوا معرفی کرده‌اند.

برای روشن شدن نظر برگزیده لازم است که به بررسی معنای واژه «أخت» و «هارون» در قرآن کریم و بررسی سیاق آیات بپردازیم.

### ۳-۱) بررسی معنای أخت

واژه أخت، مؤنث واژه أخی است که از ریشه «أخو» مشتق شده و به همراه دیگر مشتقاتش در قرآن ۹۶ بار و در ۸۰ آیه از قرآن کریم با معانی و کاربردهای متفاوتی به کار رفته است. راغب در المفردات در معنای أخی می‌نویسد:

"به کسی که در ولادت از يك پدر و مادر یا یکی از آن دو یا همشیر بودن با دیگری مشترك باشد برادر گویند، و به صورت استعاره، به هر کسی که با دیگری در قبیله یا در دین یا در کار و صنعت یا معامله و دوستی و در مناسبات دیگر مشارکت داشته باشد، برادر گویند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۱۵۸/۱).

ابن منظور، أواخی (از ریشه أخی) را چوب یا میله‌ای می‌داند که بر دیوار یا زمین فرومی‌برند و دو سر یک طناب را به آن می‌بندند، به صورتی که وسط آن مانند

حلقه‌ای شود و حیوان را به آن می‌بندند تا فرار نکند. به دلیل ملازمت و همراهی حیوان با چوب به آن آواخی می‌گویند (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۲۳/۱۴).

هم‌چنین آیت‌الله جوادی آملی ذیل آیه ۲۸ سوره مریم می‌نویسد: واژه‌أخ و أخت معنای شباهت را می‌رساند و از آن جهت این لغت را برای خواهر و برادر به کار می‌برند؛ چون در پدر و مادر یا یکی از آن‌ها شبیه یکدیگرند (جوادی آملی، ۱۳۹۹ ش: ۲۷۳/۵۳).

این واژه در داستان حضرت موسی (ع) و هارون (ع) و موضوعات ارث و حجاب در سوره‌های نور، احزاب و نساء و همچنین مشتقاتی که از این ریشه در سوره مبارکه یوسف وجود دارد، همگی به معنای مشهور یعنی خواهر و برادر نسبی هستند. ولی آیات دیگری وجود دارد که این ریشه در آن‌ها در معنای استعاری به کار رفته است. مانند:

«وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا» (اعراف/ ۶۵) در معنای هم‌قبیله‌ای،  
 «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات/ ۱۰) در معنای برادری و مشارکت در دین،  
 «وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمْ فِي الصَّغَىٰ» (اعراف/ ۲۰۲) در معنای هم‌فکر و هم‌مسلك،  
 «كَلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا» (اعراف/ ۳۸) در معنای شبیه و مثل و مانند.  
 هم‌چنین در آیه ۴۸ سوره زخرف «وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا» از آن جهت آیات طبیعی به أخت تشبیه شده‌اند که در صحت و روشنی و صدق مشترکند. در همه این آیات کلماتی که از ریشه‌أخو هستند، معنای شباهت در امری را به ذهن منتقل می‌کنند.

محقق و مصحح تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) ذیل آیه ۹۳ سوره بقره در توضیح یکی از روایات می‌نویسد:

«إِنَّمَا أَطْلَقَ لَفْظَ "أَخَوْكَ" لَا لِلنَّسَبِ أَوْ لِاتِّحَادِ اسْمِ الْأَبِ: ... كَمَا قَدْ يَتَوَهَّمُ الْبَعْضُ - بَلْ لِأَنَّ الْكُفْرَ مِلَّةً وَاحِدَةً كَمَا أَنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِخْوَةٌ، لَا فِي النَّسَبِ أَوْ الْقَوْمِيَّةِ وَالْعَشِيرَةِ، وَإِنَّمَا هِيَ فِي الْعَقِيدَةِ وَالْفَضِيلَةِ الْإِلَهِيَّةِ (الَّذِينَ) كَمَا قَالَ تَعَالَى: "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ" الْحَجَرَاتُ: ۱۰، وَفِي الْخَطَابِ لِمَرْيَمَ "يَا أُخْتَ هَارُونَ" (حسن بن علی (ع)، ۱۴۰۹ ق: ۴۳۷).

ترجمه: استفاده از لفظ «برادرت» چنان که برخی گمان کرده‌اند به جهت نسب یا یکی بودن پدر نیست. بلکه به جهت آن است که کفر ملت واحدی است همان طور که مومنان برادر هستند البته نه از نظر نسب، ملیت یا قبیله، بلکه در عقیده و فضیلت الهی، چنانکه خداوند متعال فرموده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰)، و خطاب به مریم (س) بیان کرده آورده است «يَا أُخْتَ هَارُونَ» (مریم: ۲۸).



در زبان عرب برای بیان مشابهت دو چیز از واژهٔ أخو استفاده می‌شود: هذا الشيء أخو هذا الشيء (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۴۵/۸۹) هم‌چنین در برخی از کتب ادبیات عرب عناوینی مانند «باب أن و أخواتها» به کار می‌برند که به معنای أن و اسامی نظیر آن است که ویژگی مشترک آن‌ها اعرابی است که بر اسم و خبر بعد از آن‌ها می‌آید.

با بررسی واژه‌هایی که از این ریشه در کتب لغت وجود دارد و ملاحظهٔ آیاتی که ریشهٔ «أخو» در آن‌ها به کار رفته، درمی‌یابیم که أخوت از ویژگی‌های مشترک حاصل می‌شود و افرادی که تحت عنوان أخوت قرار می‌گیرند یا در نسب و یا در امور مادی و معنوی دارای اشتراکاتی هستند، (مصطفوی، بی‌تا: ۴۸/۱) اگرچه سلاقی و علایق مختلفی داشته باشند.

بنابراین در عبارت «یا أخت هارون»، أخت در معنای شبیه و نظیر بکار رفته است: «ای کسی که مانند هارون هستی». این عبارت از زبان قوم بنی اسرائیل بیان شده است و قرآن قصد ارزشگذاری بین هارون (ع) و موسی (ع) را ندارد. با توجه به ویژگی‌های حضرت هارون، عبارت «أخت هارون» مانند ضرب المثل در میان بنی اسرائیل مشهور بوده است و ایشان ویژگی‌های مشترکی میان هارون (ع) و مریم (س) دیده‌اند که از این عبارت استفاده کرده‌اند. به احتمال زیاد چنان که در تفاسیر متعدد شیعه و اهل سنت نقل شده که هارون شخصی اهل صلاح و پاکی و زهد بوده است (طوسی، بی‌تا: ۱۲۲/۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۷۹۱/۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق: ۷۳/۱۳؛ طریحی، ۱۳۷۵ ش: ۲۱/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۴۵/۸۹؛ شبر، ۱۴۱۰ ق: ۳۰۱/۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: قرطبی، ۱۳۶۴ ش: ۱۰۰/۱؛ أبوحیان، ۱۴۲۰ ق: ۲۵۷/۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق: ۲۷۰/۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق: ۴۰۶/۸؛ طبری، ۱۴۱۲ ق: ۵۸/۱۶)، حضرت مریم (س) بدین خاطر به ایشان نسبت داده‌اند که ریشهٔ پاکش را به او یادآوری کنند (مغنیه، ۱۴۲۴ ق: ۱۷۹/۵). قرطبی در کتاب تفسیرش می‌نویسد: «مثل هارون فی العبادة». یعنی شباهت حضرت مریم (س) به هارون را از کثرت و یا شیوهٔ آن حضرت در عبادت دانسته‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴ ش: ۱۰۰/۱).

### ۳-۲) مراد از هارون در قرآن

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که پیش از آیهٔ مورد مناقشه در قرآن اطلاعاتی دربارهٔ هارون، برادر حضرت موسی (ع)، داده شده است. نام هارون ۲۰ بار و در ۱۳ سوره از قرآن کریم آمده است. با بررسی ترتیب نزول سور قرآن طبق نظر ابن عباس، متوجه می‌شویم سورهٔ اعراف که ۲ بار نام هارون (ع) در آیات ۱۲۲ و ۱۴۲ آن آمده، سورهٔ سی و نهم در ترتیب نزول قرآن است:

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ (أعراف، ۱۳۲)

وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْنَةٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ (أعراف، ۱۴۲)

و سورة فرقان که در آیه ۳۵ آن لفظ هارون به کار رفته است سورة چهل و دوم قرآن است:

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا (فرقان، ۳۵).

در صورتی که سورة مریم سورة چهل و چهارم به ترتیب نزول قرآن است. بدین ترتیب آیاتی درباره هارون (ع) پیش از سورة مریم نیز نازل شده است و مردم عصر نزول نسبت به هارونی که در آیه مورد نظر ذکر شده، پیش آگاهی داشته‌اند. به جز آیه مورد بحث، ۱۸ بار دیگر قرآن کریم به صراحت و بیشتر در کنار نام حضرت موسی (ع) - و یک بار در کنار نام دیگر انبیاء، به حضرت هارون نبی (ع) اشاره دارد. با توجه به آگاهی مردم عصر نزول نسبت به حضرت هارون (ع)، اگر مراد بنی اسرائیل هارون دیگری بود، بر قرآن که کتاب هدایت و قول فصل است لازم بود که به این موضوع اشاره کند تا مخاطبان به خطا نیفتند. به خصوص که قرآن موضوعی مربوط به قرون گذشته را نقل می‌کند و قرائن و شواهدی در اختیار مردم عصر نزول نیست که مراد قوم حضرت مریم (س) را از تعبیر هارون (در صورتی که هارون دیگری مدنظر بوده باشد) متوجه شوند.

### ۳-۳ واکاوی سیاق آیات

آیه ۲۷ سورة مریم می‌فرماید: «فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهَا قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا» حضرت مریم (س) در حالی که نوزادی در آغوش حمل می‌کرده به نزد قومش آمد، آن‌ها گفتند: ای مریم به راستی که کار بسیار ناپسندی مرتکب شده‌ای. این صحنه که زنی پس از مدتی که از انتظار دور بوده، با فرزندی دیده شود بسیار زشت می‌نماید. حضرت مریم (س) با افرادی مواجه شد که هیچ شک و تردیدی در زشتی کار او نداشتند. «لام» قسم به همراه «قد»، اطمینان و قطعیت در کلامشان را می‌رساند. و قوم بنی اسرائیل این عبارت و مخاطب قرار دادن حضرت را به قصد توبیخ ایشان بیان کرده‌اند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق: ۳۱/۱۶).

در ادامه آیه ۲۸ می‌فرماید: «مَا كَانَ أَبُوكَ أَمْرًا سَوْءًا وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا». «إمراً سوء» ترکیبی متشکل از اسم و مصدر است و در زبان عرب، هنگامی که اسم به مصدر اضافه می‌شود، دلالت بر آن دارد که آن عمل از شئون و اعمال اوست و اینکه فرد منشأ آن است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق: ۳۲/۱۶). در اینجا، مقصود انسان بد و فاسد است. به این معنا که پدرت انسان فاسدی نبوده است. عبارت



«ماكانت أمك بغيا» نیز به این معناست که مادرت زن فاجر و فاحشه‌ای نبوده است. یعنی مرتکب شرارتی شده که به پدر و مادرش مربوط نیست و خلاف رفتار خانواده‌اش بوده است. نه پدرش آدم بدی بود و نه مادرش فاحشه بود، بنابراین او مبتکر اعمال غیراخلاقی در بین خانواده‌اش بوده است. هدف بنی اسرائیل از بیان این تعبیر، مذمت و تحقیر حضرت مریم (س) بود، به این مقصود که وضعیت حضرت مریم (س) باید مانند پدر و مادرش باشد. لذا می‌توان دریافت که مقصود بنی اسرائیل از به‌کار بردن عبارت «یا أخت هارون» هنگام رویارویی با حضرت مریم (س) تأکید در توییخ ایشان بوده است (آلوسی، ۱۴۱۵ ق: ۴۰۶/۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق: ۳۳/۱۶).

### ۳-۴) بررسی روایات

یکی از روایاتی که ذیل آیه ۲۸ سوره مریم نقل شده است روایتی از پیامبر (ص) در مجمع البیان است:

«فقال قتادة وكعب و ابن زيد و المغيرة بن شعبة يرفعه الى النبي (ص): انه كان رجلاً صالحاً في بني إسرائيل ينسب اليه من عرف بالصلاح»  
 هارون فرد صالحی میان بنی اسرائیل بود که به درستی و شایستگی شناخته می‌شد (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۷۹۱/۶؛ بغوی، ۱۴۲۰ ق: ۲۳۱/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق: ۲۷۰/۴).

این روایت در تأیید معنای عبارت أخت هارون به «شبییه هارون» از جهت صلاح مورد استفاده برخی مفسران قرار گرفته است.

روایت دیگری در مورد این آیه از مغیره بن شعبه نقل شده است که در ابتدای مقاله بدان اشاره شد. در این روایت پیامبر (ص) بیان می‌کنند که بنی اسرائیل، فرد را به انبیا و صالحان قبل از او نسبت می‌دادند. تعبیر «قبلهم» در روایت مزبور می‌تواند قولی که می‌گوید هارون از صالحان همزمان حضرت مریم (س) بوده است را تضعیف کند و این قول را که هارون برادر موسی (ع) بوده است، تقویت نماید.

ضمناً اگر منظور قرآن از هارون، هارونی غیر از برادر حضرت موسی (ع) بوده است، لازم است هنگامی که از پیامبر (ص) در این باره سؤال می‌کنند، آن حضرت بدان اشاره کنند تا افراد آیه قرآن را درست متوجه شوند و بفهمانند این هارون، هارون دیگری است و این گونه شبهه را برطرف کنند؛ ولی پیامبر چنین پاسخی نداده‌اند. روایت مغیره بن شعبه شاهی بر این دیدگاه است که منظور بنی اسرائیل از بکار بردن عبارت أخت هارون یادآوری شباهت ایشان از نظر پاکی و صلاح به حضرت

هارون است. این روایت در مسند احمد بن حنبل، صحیح مسلم، سنن ترمذی و سنن نسائی به نقل از «عبدالله بن ادريس» از پدرش و او از سماک بن حرب متکی نقل شده است. ترمذی این حدیث را حسن، صحیح و غریب معرفی می‌کند (ابن حنبل، ۱۴۱۶ ق: ۱۴۱/۳؛ مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲ ق: ۱۶۸۵/۳؛ ترمذی، ۱۴۱۹ ق: ۱۶۰/۵؛ نسائی، ۱۴۱۱ ق: ۳۹۳/۶)

### نتیجه

بر اساس عهد جدید، نسب حضرت مریم (س) از سمت اجداد پدری به حضرت داوود و سلیمان (ع) و از طرف پدر مادرش به حضرت هارون (ع) می‌رسد. احتمال اینکه منظور بنی اسرائیل از بیان عبارت «أخت هارون»، نسب حضرت مریم (س) از سمت خاندان مادری‌اش باشد، بسیار ضعیف است.

تعبیر «أخت هارون» از زبان بنی اسرائیل خطاب به حضرت مریم (س) و با هدف توییح و سرزنش بیان شده است. از آنجا که أخوت از ویژگی‌های مشترک حاصل می‌شود و افرادی که تحت عنوان أخوت قرار می‌گیرند، دارای مبانی و هویت فکری مشترکی هستند، می‌توان احتمال داد که أخت در عبارت «أخت هارون» به معنای نسبی آن به کار نرفته، بلکه دارای معنای استعاره‌ای «شبيه و نظير» است.

نام هارون ۱۹ بار، غیر از تعبیر مورد نظر، در قرآن به کار رفته است که همگی صراحتاً به حضرت هارون، برادر حضرت موسی (ع) اشاره دارند. بر این پایه، در تعبیر «أخت هارون» مراد از هارون همان پیامبر بنی اسرائیل و برادر حضرت موسی (ع) است.

به نظر می‌رسد که تعبیر «أخت هارون»، یک عبارت کنایی از قول بنی اسرائیل است که خطاب به حضرت مریم (س) بیان شده و بدین معناست: ای کسی که در پاکی و درستی، شبیه هارون پیامبر (ع) هستی.



## منابع

- \* قرآن ترجمه حسین انصاریان.
۱. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ ق): «روح المعانی»، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲. احمد بن حنبل (۱۴۱۶ ق): «المسند»، بیروت: مؤسسه الرسالة.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ ق): «التفسیر»، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی،.
۴. ابن عربی، محمد بن علی، و غراب، محمود محمود (۱۴۱۰ ق): «رحمة من الرحمن»، [بی جا].
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (م ۷۰۳): «قصص الأنبياء (ابن کثیر)». ج ۱. بیروت: دار و مكتبة الهلال.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق): «لسان العرب»، بیروت: دار صادر.
۷. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ ق): «روض الجنان»، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۸. ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق): «البحر المحيط»، بیروت: دار الفکر.
۹. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ ق): «البرهان»، قم: مؤسسة البعثة، قسم الدراسات الإسلامية.
۱۰. بدوی، عبدالرحمن (۲۰۱۴ م): «دفاع عن القرآن ضد منتقديه»، ترجمه کمال جادالله، قاهره: الدار العالمية للكتب والنشر.
۱۱. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ ق): «تفسیر البغوی المسمى معالم التنزیل»، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۲. پارسا، فروغ؛ شبانی، اعظم سادات (۱۴۰۲ ش): «تحلیل انتقادی دیدگاه خاورشناسان درباره تعابیر قرآنی آخت هارون و بنت عمران»، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، ۷ (۲۵)، صفحات ۹۷-۷۳.
۱۳. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۱۹ ق): «السنن»، قاهره: دارالحديث،
۱۴. جرجانی، علی بن محمد (۱۳۷۰ ش): «التعريفات»، تهران: ناصر خسرو.
۱۵. جوادى آملی، عبدالله (۱۳۹۹ ش): «تفسیر تسنیم»، قم: مرکز نشر أسرا.
۱۶. حسن بن علی (ع)، امام یازدهم (۱۴۰۹ ق): «التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن بن علی العسكري عليهم السلام»، قم: مدرسة الإمام المهدي (عليه السلام).
۱۷. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ ق): «نور الثقلين»، قم: اسماعیلیان.
۱۸. حیدری، علی رضا (۱۳۹۴ ش): «نقد و بررسی نظریه برخی از مستشرقان در باب تناقض در قرآن کریم»، پژوهشنامه معارف قرآنی، ۶ (۲۰)، ۱۳۵-۱۶۴. DOI: 10.22054/RJQK.2356.2015.
۱۹. خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ ق): «التفسیر القرآنی للقرآن»، بیروت: دار الفكر العربی.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۹ ش): ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، تهران: مرتضوی.
۲۱. زکا الأول عیوای (۲۰۱۱ م): «القديسة مريم العذراء في الكنيسة السريانية الأرثوذكسية»، امريکا: مطابع الف، با، الاديب.
۲۲. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر (۱۴۰۴ ق): «الدر المنثور في التفسير بالمأثور»، قم: کتابخانه مرعشی.
۲۳. شبر، عبدالله (۱۴۱۰ ق): «تفسیر القرآن الکریم»، قم: مؤسسة دار الهجرة.
۲۴. شکری، محمد؛ نظری، علی (۱۳۹۵ ش): «پاسخی به شبهه اطلاق عنوان «أخت هارون» بر مريم در قرآن کریم»، پژوهش های قرآنی، ۲۱ (۷۹)، ۱۰۹-۹۶. <https://civilica.com/doc/96109>.
۲۵. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴ ش): «تفسیر المیزان»، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش): «مجمع البيان في تفسير القرآن»، تهران: ناصر خسرو.
۲۷. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق): «جامع البيان في تفسير القرآن (تفسير الطبري)»، بیروت:

دارالمعرفة.

۲۸. طوسی، محمد بن حسن (بی تا): «التبیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۹. طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵ ش): «مجمع البحرين»، تهران: مرتضوی.
۳۰. فراتی، علی اکبر (۱۳۸۷ ش): «جستاری در کنبه و فرهنگ عربی اسلامی». علوم حدیث، ۱۳ (۱۳۷)، ۸۴-۱۱۲. <https://sid.ir/paper/fa/۹۰۶۹۹/SID>.
۳۱. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق): «التفسیر الکبیر (مفالیح الغیب)»، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۲. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ ق): «تفسیر الصافی»، تهران: مکتبه الصدر.
۳۳. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ ش): «الجامع لأحكام القرآن»، تهران: ناصر خسرو.
۳۴. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ ش): «تفسیر القمی»، قم: دار الکتاب.
۳۵. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸ ش): «تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب»، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۳۶. قونوی، اسماعیل بن محمد (۱۴۲۲ ق): «حاشیة القونوی علی تفسیر الإمام البیضاوی و معه حاشیة ابن التمجید»، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۳۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ق): «بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط- بیروت)»، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۸. مراغی، احمد مصطفی (بی تا): «تفسیر المراغی»، بیروت: دار الفکر.
۳۹. مسلم بن حجاج (۱۴۱۲ ق): «صحیح مسلم»، قاهره: دارالحدیث.
۴۰. مصطفوی، حسن (بی تا): «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، بیروت: دار الکتب العلمیة، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۴۱. معرفت، محمد هادی (۱۴۲۳ ق): «شبهات وردود حول القرآن الکریم»، قم: موسسه فرهنگی تمهید.
۴۲. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ ق): «التفسیر الکاشف»، قم: دارالکتب الإسلامی.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ ش): «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۴۴. نسائی، احمد بن علی (۱۴۱۱ ق): «السنن الکبری»، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
45. *The Holy Bible*. Berean Standard Bible , BSB. 2016 Published by Bible Hub, Pittsburgh, PA 15045 USA. [www.biblehub.com](http://www.biblehub.com), Library of congress Control Number: 2022932943
46. Reland, A, *De religione Mohammedica libri duo*. Editio altera auctior, Utrecht, Willem Broedelet, 1717.
47. DHereblot, *Bibliothèque orientale*, 1697. Paris.

## References

The Quran (Translation by Hossein Ansarian).

1. Abuhayan Andalusi, Muhammad ibn Yusuf (1999): Al-Bahr al-Muhit, Beirut: Dar al-Fikr.
2. Abul-Futuh Razi, Hussein ibn Ali (1987): Rawdat al-Janan, Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation.
3. Ahmad ibn Hanbal (1995): Al-Musnad, Beirut: Al-Risalah Foundation.
4. Alusi, Mahmood ibn Abdullah (1994): Ruh al-Ma'ani, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
5. Badavi, Abdulrahman (2014): Defense of the Quran Against Its Critics, translated by Kamal Jadalallah, Cairo: Al-Dar al-Alamiyyah for Books and Publication.
6. Baghawi, Hussein ibn Mas'ud (1999): Tafsir al-Baghawi, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
7. Bahrani, Hashim ibn Suleiman (1994): Al-Burhan, Qom: Al-Ba'itha Foundation, Islamic Studies Department.
8. D'Herblot (1697): Bibliothèque orientale, Paris.
9. Fakhr Razi, Muhammad ibn Umar (1999): Al-Tafsir al-Kabir (Mafateeh al-Ghayb), Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
10. Fayz Kashani, Muhammad ibn Shah Murtaza (1994): Tafsir al-Safi, Tehran: Maktabah al-Sadr.
11. Forati, Ali Akbar (2008): An Inquiry into the Kunya and Arabic-Islamic Culture. Hadith Sciences, 13(1 (47)), 84-112. SID. <https://sid.ir/paper/90699/fa>
12. Hasan ibn Ali (as), the Eleventh Imam (2009): The Tafsir Attributed to Imam Hasan ibn Ali al-Askari (as), Qom: Imam Mahdi School (as).
13. Heydari, Ali Reza (2015): Critique and Review of Some Orientalists' Theories on Contradictions in the Holy Quran, Quranic Knowledge Journal, 6(20), 16-135 (DOI: 10.22054/RJQK.2015.2356).
14. Huwaizi, Abdul Ali ibn Jum'ah (1994): Nur al-Thaqalayn, Qom: Ismailians.
15. Ibn Arabi, Muhammad ibn Ali, and Ghorab, Mahmood Mahmood (1989): Rahmat min al-Rahman, [No Publisher].
16. Ibn Ashur, Muhammad Tahir (1999): Al-Tafsir, Beirut: Arab History Foundation.
17. Ibn Kathir, Ismail ibn Umar (2003): Qesas al-Anbiya (Ibn Kathir), Volume 1. Beirut: Dar and Maktabah al-Hilal.
18. Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukaram (1993): Lisan al-Arab, Beirut: Dar Sader.
19. Jawadi Amoli, Abdullah (2020): Tafsir Tasnim, Qom: Asra Publishing Center.
20. Jurjani, Ali ibn Muhammad (1991): Al-Ta'arifat, Tehran: Nasir Khusraw.
21. Khatib, Abdul Karim (2003): Al-Tafsir al-Qurani lil-Quran, Beirut: Dar al-Fikr al-Arabi.
22. Majlisi, Muhammad Baqir ibn Muhammad Taqi (1982): Bihar al-Anwar al-Jami'ah li-Durar Akhbar al-A'immah al-Athâr (ed. Beirut), Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
23. Makarem Shirazi, Nasser (1992): Tafsir Nimunah, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
24. Maraghi, Ahmad Mustafa (n.d.): Tafsir al-Maraghi, Beirut: Dar al-Fikr.
25. Ma'rifat, Muhammad Hadi (2002): Shubuhât wa Rudud Hawl al-Quran al-Karim, Qom: Tamhid Cultural Foundation.
26. Mostafavi, Hasan (n.d.): Investigating the Words of the Holy Quran, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Center for the Publication of Works of Allama Mostafavi.
27. Mughniyah, Muhammad Jawad (2003): Al-Tafsir al-Kashif, Qom: Dar al-Kitab al-Islami.

مطالعات قرآنی  
و ترجمه‌های  
پایه‌های

دوره سوم

شماره دوم

پیاپی: ۶

پاییز و زمستان

۱۴۰۳

28. Muslim ibn Hajjaj (1991): Sahih Muslim, Cairo: Dar al-Hadith.
29. Nasai, Ahmad ibn Ali (1999): Al-Sunan al-Kubra, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Publications of Muhammad Ali Baydoun.
30. Parsa, Foroogh; Shabani, Aazam-Sadat (2023): Critical Analysis of Orientalists' Views on the Quranic Expressions "Sister of Aaron" and "Daughter of Imran", Quranic Studies and Islamic Culture, 7(25), pp. 73-97.
31. Qummi Mashhadi, Muhammad ibn Muhammad Reza (1989): Tafsir Kanz al-Daqa'iq wa Bahr al-Ghara'ib, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Organization.
32. Qummi, Ali ibn Ibrahim (1984): Tafsir al-Qummi, Qom: Dar al-Kitab.
33. Qunawi, Ismail ibn Muhammad (2001): Hashiyah al-Qunawi 'ala Tafsir al-Imam al-Baydawi wa Ma'ahu Hashiyah Ibn al-Tamjid, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Publications of Muhammad Ali Baydoun.
34. Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad (1985): Al-Jami li-Ahkām al-Quran, Tehran: Nasir Khusraw.
35. Raghīb Isfahani, Hussein ibn Muhammad (1990): Translation and Research of the Vocabulary of the Quran with Linguistic and Literary Commentary, Tehran: Mortezaei.
36. Reland, A. (1717): De religione Mohammedica libri duo. Editio altera auctior, Utrecht, Willem Broedelet.
37. Shobbr, Abdullah (1989): Tafsir al-Quran al-Karim, Qom: Dar al-Hijrah Foundation.
38. Shokri, Mohammad; Nazari, Ali (2016): A Response to the Objection of the Title "Sister of Aaron" to Mary in the Holy Quran, Quranic Research, 21(79), 96-109. <https://civilica.com/doc/683719>
39. Suyuti, Abd al-Rahman ibn Abi Bakr (1983): Al-Durr al-Manthur fi al-Tafsir bil-Ma'thur, Qom: Mar'ashi Library.
40. Tabari, Muhammad ibn Jarir (1991): Jami al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Tafsir al-Tabari), Beirut: Dar al-Ma'rifah.
41. Tabarsi, Fadl ibn Hassan (1993): Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Tehran: Nasir Khusro.
42. Tabatabai, Muhammad Hussein (1995): Tafsir al-Mizan, Qom: Society of Seminary Teachers of Qom, Islamic Publications Office.
43. The Holy Bible. Berean Standard Bible, BSB. 2016. Published by Bible Hub, Pittsburgh, PA 15045, USA. [www.biblehub.com](http://www.biblehub.com), Library of Congress Control Number: 2022932943.
44. Tirmidhi, Muhammad ibn Isa (1998): Al-Sunan, Cairo: Dar al-Hadith.
45. Torayhi, Fakhr al-Din ibn Muhammad (1996): Majma' al-Bahrayn, Tehran: Mortezaei.
46. Tusi, Muhammad ibn Hasan (n.d.): Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
47. Zaka Al-Awwal Aywas (2011): Saint Mary the Virgin in the Syriac Orthodox Church, USA: Alib, Ba, Al-Adib Press.